

## تعریف، شاخصه‌ها و بررسی دیدگاه‌های مرتبط با شهرهای جهانی و جهان شهر

عبدالصمد ضیایی<sup>۱</sup>

### چکیده

در دهه‌های اخیر مفهوم خاص و جدیدی از شهر با عنوان "شهر جهانی" رواج پیدا کرده است. اگر چه اندیشمندان و پژوهشگران تاکنون تعریف دقیق و معیارهای شهر جهانی را به صورت اتفاق نظر ارائه نکرده‌اند، ولی همگی متفق القولند که معیارهایی چون فناوری‌های اطلاعاتی، مخابراتی، گسترش روزافزون شهرها، هواپیماها و قطارهای سریع‌السیار و... باعث افزایش فعالیت در شهرها و در نتیجه اهمیت و نقش‌آفرینی برخی از شهرهای جهان را افزایش داده‌اند. ورود انرژی‌های عظیم اقتصادی - اجتماعی ناشی از روندهای جهانی شدن به شهرها، مناطق شهری جهان را با چالش‌های جدید تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تغییرات پایه‌ای در حوزه‌های مختلف به‌ویژه سازمان‌سازی کارکرد شهری روبرو کرده است. در مقاله حاضر که با روش توصیفی - کتابخانه‌ای انجام گرفته است سعی شده است مفهوم شهر جهانی را توصیف کند، برخی تعریف‌ها و ویژگی‌های این گونه شهرها را بیان و نقش آنها را در فرایند جهانی شدن بررسی کند.

**کلیدواژه‌ها:** شهر جهانی، ویژگی‌های شهر جهانی، تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ و سیاست

<sup>۱</sup>. کارشناسی علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان

جهانی شدن در چند دهه اخیر موجبات تأثیرات زیادی در روند شهرنشینی و ویژگی‌های برجسته شهرهای جهان شده است. شهرها در نتیجه جهانی شدن اقتصاد، روابط انسان‌ها، ارتباطات فرهنگی و آگاهی‌های فردی دچار تغییراتی می‌شوند که شدت و ضعف آنها متناسب با پیوستگی شهرها با جریان جهانی شدن متفاوت است.

مطالعه اثرات جهانی شدن بر شهرها موجب شکل گرفتن نظریه جدیدی در دهه‌های اخیر در مطالعات شهری شده که از آن به نظریه شهر جهانی تعبیر می‌شود. در این نظریه بر شناخت تأثیرات جهانی شدن بر شهرها و نقش‌آفرینی آنها در فرایند جهانی شدن تأکید می‌کند.

بحث‌هایی که در این نظریه ارائه می‌شوند برای تبیین روابط بین جهانی شدن و نحوه برخورد شهرها با جهانی شدن در چند دهه اخیر است.

در این نظریه شناخت شهرهایی که بیشترین پیوند را با جهانی شدن دارند و همچنین معیارهای تعیین سطح این پیوستگی از اهمیت فراوانی برخوردار است. این نظریه همچنین تبیین‌کننده رویکردهای جدید شهرها برای حفظ حیات و اهمیت خود در دوران جهانی شدن می‌باشد. دورانی که امکان پراکندگی فعالیت‌ها در سراسر جهان موجب تحول مفهوم مکان و جغرافیا شده است.

در این نظریه همچنین رتبه‌بندی شهرها بر اساس جهانی بودن آنها و نقش‌هایی که برای تأثیرگذاری بر اوضاع مختلف جوامع در سراسر جهان ایفا می‌کند می‌پردازد.

### مفهوم جهانی شدن

جهانی شدن واژه دهه ۱۹۹۰ میلادی است. جهانی شدن فرایندی از تحول است که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کم رنگ می‌کند، ارتباطات را گسترش می‌دهد و تعامل فرهنگ‌ها را فزونی می‌بخشد. "جهانی شدن" یک پدیده چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و فن‌آوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی هم چون محیط زیست را متأثر می‌کند.

بنابراین، جهانی شدن را از ابعاد گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد. پژوهشگران اقتصادی، جهانی شدن را به طرق مختلف تعریف کرده‌اند و هر یک از دیدگاه خاصی به این مسئله نگاه کرده‌اند. کروگمنو رنه بالز جهانی شدن را ادغام بیشتر بازارهای جهانی تعریف کرده‌اند. پرفسور کول با بهره‌گیری از تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی جهانی شدن را الگوی تکامل یابنده‌ای از فعالیت‌های فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف

می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فرآورده‌های تازه و نو، تولید، منبع‌شناسی و بازاریابی است.

مک ایوان جهانی‌شدن را گسترش بین‌المللی مناسبات تولیدی و مبادله سرمایه‌سالارانه می‌داند. ساتکلیف و گلین علاوه بر گسترش سرمایه‌داری، جهانی‌شدن را با به هم پیوستگی بیشتر اقتصادها مشخص می‌کنند. لئونارد بر این عقیده است که جهانی‌شدن وضعیتی است که رفاه یک مرد یا یک زن عادی، دیگر فقط به عملکرد دولتشان وابسته نمی‌باشد. سیموز تعریف جامع‌تری را از جهانی‌شدن را در موارد زیر می‌داند:

۱. مرزهای ملی برای جدا سازی بازارها اهمیت خود را از دست می‌دهند.
  ۲. فعالیت‌های تولیدی فرامرزی تخصصی می‌شوند و بنابراین سبب شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چند ملیتی می‌گردند.
  ۳. قدرت‌های چند پایه تکنولوژیک شکل می‌گیرند که در نهایت به همکاری‌های بیشتر بین بنگاه‌های بین‌المللی منتهی می‌شود.
  ۴. شبکه‌های اطلاعاتی جهانی همه جهان را به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌کند. همبستگی بالاتری در مراکز مالی دنیا به وجود می‌آید.
- از دیدگاه مک گرو جهانی‌شدن عبارت است از:

برقراری روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی می‌انجامد و نیز فرایندی که از طریق آن حوادث، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای سایر افراد و جوامع در بخش‌های کاملاً دور زمین داشته باشد.

پال هرست و گراهام تامپسون جهانی‌شدن را جریانات وسیع و روبه رشد تجارت و سرمایه‌گذاری بین کشورها تعریف کرده‌اند.

در دومین کاربرد جهانی‌شدن اقتصاد معادل آزادسازی در نظر گرفته شده است. در این نگرش، جهانی‌شدن به فرایند حذف محدودیت‌های اعمال شده از ناحیه دولت به روابط خارجی کشورها به منظور دستیابی به یک اقتصاد جهانی باز و بدون مرز اشاره دارد. به عبارتی دیگر، در این کاربرد منظور از جهانی‌شدن فرایند ادغام در اقتصاد بین‌المللی می‌باشد. شواهدی از چنین جهانی‌شدن را در دهه‌های اخیر می‌توان در کاهش گسترده یا حتی حذف کامل موانع بر سر راه تجارت، محدودیت‌های ارزش‌های خارجی، کنترل سرمایه و نیز حذف روادید برای شهروندان برخی کشورها مشاهده نمود.

سندوق بین‌المللی پول جهانی‌شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند.

به عبارت دیگر جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده تر و وسیع تر تکنولوژی می‌داند. با توجه به تعاریف بالا جهانی شدن را می‌توان فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها و شهرها کم‌رنگ‌تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای سهیل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در شهرها و کشورها می‌انجامد. نهایتاً تعریف ذیل را می‌توان تعریفی نسبتاً جامع و رسا از جهانی شدن اقتصاد در نظر گرفت:

جهانی شدن اقتصاد، فرایند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است که در آن عوامل تولید تکنولوژی و اطلاعات، آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند و محصولات تولیدی اعم از کالا و خدمات نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می‌شود.

از مشخصه‌های اصلی این فرایند اتکای بیشتر به نظام بازار، خصوصی‌سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن اعم از آزادسازی تجاری، بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد. (بهکیش، ۱۳۸۱، ۲۵)

### پیشینه تحقیق درباره روابط جهانی شدن و شهرها

بررسی روابط بین جهانی شدن و شهرها به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد که مصادف با دوران شکوفایی اقتصاد جهانی و گسترش فزاینده جهانی شدن در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است.

پیش از این پاتریک گدس در سال ۱۹۱۵ در کتاب خود با عنوان "تکامل شهرها" در مبحثی با همین عنوان به بررسی وضعیت برخی شهرهای مهم اروپا پرداخت. اگر چه وی این شهرها را مکان انجام بخش بسیار مهمی از فعالیت‌های اقتصادی برتر جهان توصیف کرد، ولی این مفهوم با آنچه اخیراً مطرح می‌شود، کمتر تناسب دارد.

پس از او "پیتر هال" در سال ۱۹۶۶ با الهام از مطالعه گدس، شش شهر لندن، پاریس، رامستد، راین - روهر، مسکو، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی معرفی و بررسی کرد.

با آغاز دهه ۱۹۷۰ و شدت گرفتن فرایند جهانی شدن و تاثیرات گسترده آن بر شهرها، خصوصیات شهرها نیز متحول شد.

به اعتقاد "هال" مفهوم شهر جهانی در دهه ۱۹۸۰ متفاوت از قبل است و در مفهوم جدید، شهرهای جهانی نه تنها به عنوان شهرهای برتر سرمایه‌ای محسوب می‌شوند، بلکه شهرهایی هستند که به طور روزافزونی توسط شرکت‌های فراملی با عملکرد فراتر از چارچوب دولت - ملت کنترل می‌شوند. اگر چه از این زمان به بعد نظریات مطرح شده درباره شهر جهانی، اشتراکات زیادی دارند، ولی اجماعی با یکدیگر ندارند.

در دهه ۱۹۸۰، مطالعات بر دسته‌بندی شهرها از نظر جهانی بودن تمرکز یافت که کار "کوهن" آغازگر این مطالعات است.

کوهن (۱۹۸۱) بر اساس میزان غلبه مراکز مالی و شرکت‌ها، شهرهای جهانی را در دو سطح درجه یک و دو دسته بندی کرد. در این دهه رتبه‌بندی دیگری از شهرهای جهانی توسط "هوارد رید" (۱۹۸۱) و بر مبنای اهمیت مرکز مالی بین‌المللی در شهرهای جهانی انجام شد. رید، شهرها را در سه سطح، مراکز مالی فراملی عالی، نظیر لندن، مراکز مالی فراملی درجه یک نظیر نیویورک و توکیو و مراکز مالی فراملی درجه دو نظیر آمستردام و مراکز مالی بین‌المللی (۲۹ شهر) و مراکز مالی بین‌المللی میزبان شامل ۳۹ شهر دسته بندی کرد.

پس از آن فریدمن (۱۹۸۶) در یک سطح بندی سلسله مراتبی مناقشه برانگیز و با اهمیت دادن به مراکز کنترل سرمایه در تقسیم کار فضایی جدید جهانی شهرهای جهانی را در دو سطح مرکزی و پیرامونی دسته بندی کرد.

در دهه ۱۹۹۰ بر خلاف تمرکز بر فضای جدید تقسیم کار جهانی که پیش از آن مهم بود، "ساسکیا ساسن" (۱۹۹۱) با تاکید بر همکاری بین‌المللی شهرها و تمرکز خدمات تولیدکننده (پشتیبان تولید) و اهمیت فراوان آن در شهرهای جهانی، رویکرد جدیدی در مطالعه شهرهای جهانی مطرح کرد. "ساسن" با بررسی تاثیرات جهانی شدن بر شهرهای نیویورک، لندن و توکیو، آنها را به دلیل تمرکز بالای مراکز فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی، تمرکز شرکت‌های سرمایه‌ای و خدمات تخصصی، مکان‌های تولید نوآوری و بازارهای محصولات و نوآوری‌های تولید شده در شهرهای جهانی، به عنوان شهرهای جهانی برتر معرفی کرد.

از نظر ساسن ظهور شهرهای جهانی، نتیجه جهانی شدن فعالیت اقتصادی و ساختار سازمانی خدمات تولیدکننده و صنعت مرتبط با آن است. از این زمان به بعد، دو رویکرد نسبتاً متفاوت در مطالعات شهرهای جهانی با محوریت نظرات فریدمن و ساسن شکل گرفت که تمایزات آنها رو به شفافیت بیشتر دارد. (پورا احمد، قرخلو، موسوی، ۱۳۹۰)

## خصوصیات شهرهای جهانی

راهبرد نسبی شهرها را بر اساس امتیازات منحصر به فرد (به عنوان مثال شمار دفاتر مرکزی شرکت‌های چند ملیتی) رتبه‌بندی می‌کند.

در راهبردی که بر پایه ارتباط است، بر عمل متقابل بین شهرها برای شناسایی مجموعه‌ای از گره‌ها در شبکه شهری جهانی تمرکز می‌شود. شهرها بر پایه میزان رقابت جهانی و روابط جهانی با هم تفاوت دارند.

رتبه‌بندی رقابت و روابط جهانی، برای شناسایی و پیدایش بنیادهای متأخر اقتصاد شهری و تسریع الگوهای کلی شهرهای برنده یا بازنده در یک بازار شلوغ جهانی بسیار ارزشمند است. معیارهای بسیاری هستند که می‌توان آنها را برای خصوصیات شهرهای سراسر دنیا به کار برد. " جان فریدمن " برای این شهرها هفت شاخص را پیشنهاد می‌کند:

۱. مراکز مالی عمده
۲. دفاتر مرکزی
۳. موسسات بین المللی
۴. رشد سریع بخش خدمات تجاری
۵. مراکز مهم تولیدی
۶. حمل و نقل
۷. اندازه جمعیت

برخی دیگر از محققان معیارهای جدیدی مانند ارتباطات از راه دور، کیفیت زندگی، امور بین المللی و مرکزیت فرهنگی را برای ویژگی‌های شهرهای جهانی بیان می‌کنند. در اقتصاد جهانی سودمندی و رقابت شهرها به واسطه میزان قدرت فرماندهی شرکت‌ها، مؤسسات مالی در رده جهانی و اتصال به شبکه‌های بین المللی ارتباط از راه دور تعیین می‌شود. در سیستم جهانی، شهرهایی که واجد شمار زیادی دفاتر مرکزی شرکت‌ها هستند، مراکز فرمان جهانی برای تصمیم‌گیری‌های تجاری و تنظیم راهبرد شرکت‌ها نامیده شده‌اند. هم اکنون دفاتر مرکزی بیش از ۵۰۰ شرکت از بزرگ‌ترین شرکت‌های چند ملیتی بدون تناسب در کلان شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته و به‌ویژه در نیویورک، لندن و توکیو قرار گرفته‌اند.

جهانی‌شدن اقتصادی در سایه عوامل مختلفی از قبیل پیشرفت‌های مربوط به فن آوری و به‌ویژه سیاست آزادسازی در سراسر جهان، سرعت زیادی به خود گرفته است.

مهم‌ترین ویژگی جهانی‌شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین المللی فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت‌های فراملیتی و

نهادهای بین‌المللی در این فرایند است. درحالی که جهانی‌شدن اقتصادی به‌ویژه با تمرکز تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده در چند کشور فرایندی نابرابر می‌باشد. اما تقریباً همه کشورها به طور چشمگیری تحت تاثیر این فرایند قرار گرفته‌اند.

در سال‌های اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در کلان شهرهای جهان سوم از نظر تغییر کاربری‌های شهری به وجود آمده است و بسیاری از مغازه‌ها و کارگاه‌ها تغییر کاربری داده و به دفاتر شرکت‌های چند ملیتی، مغازه‌های الکترونیکی، کافی‌نت و مراکز خرید و فروش گوشی تلفن همراه تبدیل شده‌اند. بنابراین به تبع جهانی‌شدن و تغییر کاربری‌ها به‌ویژه در قسمت مرکز تجاری شهرها، قیمت زمین و مغازه‌ها بالا رفته و این قسمت از شهر به رشد عمودی روی آورده است. اکثر مبادلات اقتصادی در مرکز تجاری شهر از طریق رسانه‌های پیشرفته ارتباطی مانند اینترنت انجام می‌گیرد. در حقیقت امروزه بخش مرکز تجاری شهر، تولید کننده و صادر کننده نیست بلکه مرکز دفاتر شرکت‌های بزرگ تولیدی و صادراتی می‌باشد. (نوابخش، نظام آباد، معصومی، ۱۳۸۸)

### تاثیرات جهانی شدن بر فرهنگ

بررسی و دیدگاه‌های گوناگونی در عرصه جانی شدن فرهنگی و شیوه شکل‌گیری و گسترش فرهنگ جهانی وجود دارد ولی به طور کل می‌توان سه جنبه کلی را در این خصوص شناسایی و بیان کرد: (رزینا سپهر نیا، ۱۳۹۰)

۱. همگونی فرهنگی
۲. خاص‌گرایی فرهنگی
۳. آمیزش و تحمل فرهنگی

### همگونی فرهنگی

برخی از نظریه‌پردازان بر آنند که جهانی شدن زیر سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری و شرکت‌های قدرتمند چند ملیتی قرار دارد و بنابراین جهانی شدن اقتصادی نوعی جهانی شدن فرهنگی را به دنبال دارد. این برداشت از جهانی شدن، همان نظریه " امپریالیسم فرهنگی " است که فرایند جهانی شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می‌داند. البته این دیدگاه خود به زیر شاخه‌هایی تفکیک می‌گردد. یک روایت آشنای آن تحمیل فرهنگ غربی بر دنیای غیر غربی است که از نظر بسیاری از صاحب نظران نامناسب و زیان بار است.

روایت خاص‌تری از همگونی و یکپارچه سازی فرهنگی نیز وجود دارد و آن " آمریکایی کردن " فرهنگ جهانی است. در این مفهوم همگون سازی فرهنگی از

طریق رسانه‌های آمریکایی صورت می‌گیرد. به این معنا که امروزه آمریکایی‌ها بر منابع اصلی تولید و توزیع فرهنگ از جمله سیستم‌های ماهواره‌ای، ساخت فناوری، بنگاه‌های خبری، صنعت تبلیغات تولید و توزیع برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و ... سلطه بلامنازعه‌ای دارند.

آنچه فرهنگ جهانی نامیده می‌شود نوعی فرهنگ مصرفی است که به کمک ارتباطات گسترده و فن‌آوری الکترونیک یا همان رسانه فرهنگی، جهانگیر می‌شود. این فرهنگ گرچه خود را عام و جهانی نشان می‌دهد اما در اصل از منبعی واحد سرچشمه می‌گیرد که فرهنگ آمریکایی است. عده‌ای که جهانی شدن را در معنای امپریالیسم غربی یا جهانی کردن معنا می‌نمایند.

امپریالیسم فرهنگی در بعد فرهنگی در سال ۱۹۶۰ پا به عرصه وجود نهاد. "تام لین" در ۱۹۹۱ چند نوع امپریالیسم فرهنگی را بیان نمود که شامل:

۱. امپریالیسم رسانه‌ای
۲. امپریالیسم فرهنگی با گفتمان هویت و قابلیت ملی
۳. امپریالیسم به عنوان نقدی بر تجدد و مدرنیست

### خاص‌گرایی فرهنگی

فرایند جهانی شدن نه تنها نوعی همگونی و ادغام فرهنگی دارد بلکه اسباب تنوع، واگرایی و رستاخیز فرهنگی را هم فراهم می‌کند. می‌توان خاص‌گرایی فرهنگی را توسل به عناصر هویت بخش فرهنگی خاص دانست که در آن بر بی‌همتایی شیوه‌ها، اعمال و ایده‌های یک گروه یا جماعت معین تاکید می‌شود. عام‌گرایان فرهنگی، دیدی انتقادی نسبت به وضع موجود دارند در عین حال که فرصت‌ها و امکان‌های فرهنگی ناشی از فرایند جهانی شدن را هم به فال نیک می‌گیرند. ولی بسیاری از گروه‌های خاص‌گرا کل فرایند جهانی شدن یا بخشی از آن را به‌عنوان و عبارت‌های متفاوت رد می‌کنند. از دید گاه آنها جهانی شدن نه تنها تهدیدی جدید به شمار می‌آید، بلکه فرایند گریز ناپذیر و غیر قابل برگشت هم نیست.

این ادعا که فرایند جهانی شدن عامل اصلی خاص‌گرایی فرهنگی به شمار می‌آید بیش از پیش وجود دارد. فرایند جهانی شدن با فشردگی فضا و زمان، رهایی از مکان، نسبی کردن فرهنگ‌ها و تعدد مرجع‌های اجتماعی، هویت‌سازی معنایی به شیوه سنتی را دشوار و حتی ناممکن می‌کند. بنابراین نوعی بحران فراگیر و فزاینده هویت و معنا جوامع مختلف جهان را فرا می‌گیرد (گل محمدی ۲۴۵-۲۴۷، ۱۳۸۱) جهانی شدن در دو حوزه مستقل عمل می‌نماید:



۱. خاص گردانیدن عام: جهانی شدن با سرعتی که دارد ازدیاد جنبش‌ها و افراد جویای مفهوم جهان به مثابه یک کل را تسهیل می‌کند.
۲. عام گردانیدن خاص: که مربوط می‌شود به عام بودگی جهانی، جستجوی خاص به منظور یافتن شیوه‌های هر چه ناب‌تر ارائه هویت. (رابرتسون، ۱۳۸۲، ۳۶۵)

## آمیزش و تحول فرهنگی

سومین نوع واکنش در قبال جهانی شدن آمیزش و تحول فرهنگی است. واکنش دنیای امروز در قبال جهانی شدن فقط تسلیم و ستیز نیست به بیان دیگر دو نیروی تفاوت‌زدا و تفاوت‌زا در عرصه فرهنگ جهانی بخشی از واقعیت هستند. بازی فرهنگی در صحنه جهانی بازی همه یا هیچ نیست بلکه نوعی همزیستی، اختلاط و تعالی فرهنگی هم امکان دارد.

فرآیند فشردگی فضا و زمان و فرایند جهانی شدن، با نزدیک ساختن فاصله‌ها، بسترزدایی روابط اجتماعی و هر چه آسان‌تر ساختن ارتباطات، انسان‌ها را در بستری جهانی به یکدیگر نزدیک می‌سازند.

از لحاظ فرهنگی هم در عین جهانی‌سازی فرهنگی فرهنگ‌ها و هویت‌های را کنار هم قرار می‌دهد که نتیجه آن نوعی نسبی شدن فرهنگی، نوعی همزیستی، رقابت سالم و حتی آمیزش و تحول (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۸۸) واکنش‌های آمیزش و تحول معمولاً به صورت‌های مختلفی بروز می‌نماید:

۱. روش پیوندی
۲. تحولی
۳. غیر دفاعی

بر اساس این موارد فرهنگ‌های کشورهای مختلف در مواجهه با جهانی شدن نباید به ریشه خود توسل جویند و یا ادغام و ناپدید شوند بلکه می‌توانند با متحول شدن و آمیزش با فرهنگ‌ها و هویت‌های دیگر به حیات خود ادامه دهند. در این گونه رهیافت بر دادوستدهای بین فرهنگی و آمیزش فرهنگی برای ایجاد اشکال فرهنگی ترکیبی تأکید می‌شود.

به بیان "هنرز" در چنین شرایطی معناها و اشکال معنا دار سرچشمه گرفته از منابع تاریخی متفاوت که در اصل از لحاظ فضایی جدا از یکدیگر بودند به صورتی گسترده در هم می‌آمیزند.

این واکنش بیانگر افرادی است که دور از زادگاه مرزهای طبیعی خود زندگی می‌کنند ولی تعلق و هویت خود را به میهن خود از دست نمی‌دهند، آنان با فرهنگ‌های جدید محل زندگی خود زندگی می‌کنند بدون آنکه هویت‌های ملی خود را کاملاً از دست دهند.

قومیت، نژاد، دین می‌توانند علاوه بر واکنش‌های خاص گرانه در مقابل جهانی‌شدن به واکنش " عام گرایانه " نیز بپردازند که این امر خود باعث تعدیل، اصلاح و بازسازی انسان می‌گردد تا بتوانند خود را با بهترین شرایط و کمترین آسیب با تحولات جهانی منطبق و مسان سازد. در واقع دنیای مطلوب، استخراجی از این‌گونه واکنش‌ها دنیایی عاری از افراط‌های تجدد خواهانه و تفریط‌های تجدید ستیزانه خواهد بود. (توحید فام، ۱۳۸۱، ۹۰)

### تأثیرات جهانی‌شدن بر سیاست

مطالعه سیاست و انتخاب از میان نظریات روابط بین‌المللی، در عصری که جهانی شدن تمام ادراکات و برداشتهای سنتی ما از پدیده‌های سیاسی را دگرگون نموده، کاری دشوار خواهد بود.

نخست از این جهت که باید به بازنگری در دانسته‌های گذشته بپردازیم و سپس اینکه از میان رویکردهای مختلف دست به انتخاب بزنیم.

این مسئله دانشجویان و محققان سیاست را با مشکل مواجه خواهد ساخت. با این وجود استفاده از نظریه در مطالعه سیاست ابزاری سودمند در جهت تجزیه و تحلیل خواهد بود هر چند انتخاب امر ساده نباشد.

اما یک مسئله در خصوص مطالعه سیاست جهانی به برداشتها و ادراکات ما در خصوص امور واحد مربوط می‌شود. بدین ترتیب این که ما از چه دریچه‌ای به مسایل نگاه کنیم در برداشت نهایی ما از آنها موثر خواهد بود. این مسئله مانند نگاه کردن به جهان از پشت عینک با لنزهای مختلفی است که در نهایت جهان را بر اساس رنگ آن لنزها به ما نشان خواهد داد. به همین ترتیب برداشت یک رئالیست با برداشت یک لیبرال و یا مارکسیست از موضوعات واحد، نتایج مشابهی به دست نخواهد داد. (بیلیس ۱۳۸۳، ۲۴)

با این وجود و با توجه به تحولات روی داده در دهه‌های اخیر در صحنه سیاست جهان، اکنون نیاز به باز تعریف و بازنگری در بسیاری از مفاهیم رشته روابط بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد.

اما قبل از هر چیز بازخوانی برخی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعاتی سیاست برای مقایسه و بررسی تفاوت‌های میان آنها، نقطه شروع مناسبی برای مباحث آکادمیک در این زمینه خواهد بود. علیرغم ناخرسندی برخی نقطه شروع مطالعات سنتی درباره سیاست قائل شدن به تفکیک و تمایز میان حوزه‌های سیاست داخلی و بین‌المللی، سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل و تفاوت این دو با روابط بین‌الملل می‌باشد.

در سطور بعدی به بررسی و مقایسه این حوزه‌ها خواهیم پرداخت.

یک مسئله بسیار مهم در تعریف مفاهیم یاد شده، پذیرش سطوح مختلف در آن است. به خصوص این که این مسئله به معنای وجود تمایز میان این سطوح خواهد بود. در حالی که برخی تمایز میان سطح داخلی و خارجی را نمی‌پذیرد و بیان می‌دارند که تفکیک میان این دو حوزه از ابتدا باعث انحراف در تحلیل شده و از تفکر درباره سیاست به عنوان یک کل به هم پیوسته جلوگیری می‌نماید. (کلارک، ۱۳۸۲، ۶۸)

## جهانی‌شدن سیاست

تحولات اخیر در صحنه سیاست جهان، برداشتهای سنتی ما از سطوح تحلیل گذشته را به شدت تحت تاثیر قرار داده است، این بدان معناست که دیگر همچون گذشته نمی‌توان به سادگی هر یک از سطوح مورد اشاره در صفحات پیشین را مبنایی برای تحلیل خود از مسائل قرار داد. با این حال پیش از هر چیز دیگر برای شناخت تحولات مورد بحث و چگونگی تاثیر آنها بر روی سطوح تحلیل، آشنایی با زمینه‌های تحول ضروری خواهد بود. جیمز روزنا از تحولات وقوع یافته در سیاست جهان با عنوان " آشوب در جهان سیاست " نام می‌برد. وی عوامل زمینه‌ساز بروز این آشوب را این‌گونه بر می‌شمرد:

۱. جابجایی از نظم صنعتی به نظم پسا صنعتی و انقلاب میکرو الکترونیکی.
  ۲. ظهور موضوعات جدید مانند آلودگی جو، تروریسم، تجارت مواد مخدر و ....
  ۳. بحران کاهش مرجعیت و اقتدار دولت‌ها به این دلیل که موضوعات جدید به طور کامل در حیطه اقتدار دولت‌ها نیستند.
  ۴. افزایش یافتن کارایی خرده نظام‌ها و شکل‌گیری گرایش‌های تمرکز زدا.
  ۵. افزایش مهارت‌ها و سمت‌گیری‌های بشر. (رزونا، ۱۳۸۲، ۲۳-۲۴)
- اینک بهتر است از مفهوم جهانی‌شدن هر چند مورد اختلاف بسیاری به عنوان مفهوم گنگ و نامبهم است، برای توضیح تحول یاد شده کمک بگیریم. با این حال هنوز هم عنوان جهانی‌شدن از توانایی مناسبی برای تشریح و تبیین ابعاد تغییرات رخ داده در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهانی برخوردار است.
- اهمیت جهانی‌شدن از این روست که از یک سو باعث تحول در بسیاری از نظریه‌های روابط بین الملل خواهد گردید. بدین معنا که تمرکز و هدف بسیاری از نظریه‌های روابط بین الملل، مطالعه رفتارهای دولت به‌عنوان بازیگر اصلی نظام بین الملل بوده و اگر جهانی‌شدن باعث کاهش نقش دولت در این نظام گردد، آنگاه بازنگری در بسیاری از نظریه‌های روابط بین الملل ضروری به نظر خواهد رسید.

از سوی دیگر اگر جهانی‌شدن به معنای کاهش اقتدار، حاکمیت و حوزه عمل دولت‌ها به عنوان بازیگران مسلط سیاست جهان باشد، در نتیجه خود به خود باعث از میان رفتن و یا دست کم کاهش شکاف میان سطوح داخلی و بین‌المللی سیاست خواهد شد.

این مسئله همچنین مورد ادعای حامیان جهانی‌شدن نیز هست در غیر این صورت می‌توان اظهار داشت که جهانی‌شدن فاقد بخش بزرگی از آن محتوای جوهری است که ادعا می‌نماید. (کلارک، ۱۳۸۲، ۴۴-۴۵)

از سوی دیگر با گسترش وابستگی متقابل میان جوامع بشری، مسایلی به‌وجود آمده که به‌روند جهانی‌شدن و نزدیکی میان ملت‌ها کمک نموده است. روزنا در توضیح چگونگی افزایش وابستگی متقابل و زمینه‌های پیدایش آن بیان می‌دارد که اگر زمانی مسائل سیاست جهان به‌وسیله تعامل دولت‌ها حل و فصل می‌شد، اکنون مسائل دیگری در دستور کار سیاست جهان قرار گرفته‌اند که از صلاحیت اقتدار دولت‌ها خارج می‌باشند. وی در این زمینه شش چالش را بر می‌شمارد که عبارتند از:

۱. آلودگی محیط زیست
۲. بحران‌های ارزی
۳. قاچاق مواد مخدر
۴. تروریسم
۵. ایدز
۶. سیل پناهندگان (روزنا، ۱۳۸۲، ۸۸-۸۹)

یک بحث دیگر در خصوص جهانی‌شدن در خطر افتادن نقش دولت‌ها در آینده نظام بین‌الملل مربوط می‌گردد. رئالیست‌ها بر این باورند که هر چند ممکن است در نتیجه روند جهانی‌شدن ارتباط میان جوامع و اقتصاد بیش از پیش به هم وابستگی پیدا نماید، اما این مسئله سبب نخواهد شد که مهم‌ترین ویژگی سیاست جهانی یعنی تقسیم جغرافیایی جهان به دولت - ملت‌ها تغییر یابد و جهانی‌شدن نمی‌تواند کشمکش میان دولت‌ها بر سر تصاحب قدرت را از میان بردارد بلکه تنها قادر خواهد بود بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاثیر بگذارد. اما لیبرال‌ها بر این باورند که جهانی‌شدن محصول نهایی تغییرات بلند مدت سیاست جهانی می‌باشد.

به باور آنها بر خلاف آن‌گونه که رئالیست‌ها ادعا دارند دولت‌ها دیگر تنها بازیگر اصلی سیاست جهان نمی‌باشند. (بیلیس، ۱۳۸۳، ۳۲)

در یک جمع‌بندی در خصوص تاثیر جهانی‌شدن بر کاهش نقش دولت‌ها می‌توان سه دیدگاه را مد نظر قرار داد:

۱. ناتوانی و فرسودگی دولت به خصوص در حوزه اقتصادی.
۲. کاهش ابعاد قدرت دولت و ایجاد رقابت آن با دیگر بازیگران.
۳. ضعف دولت در اثر از دست دادن اقتدار و کنترل سایر بازیگران نیست بلکه در اثر از دست دادن کنترل خود در ساختار غیر شخصی بازار است. (کلارک، ۱۳۸۲، ۱۰۶-۱۰۷)

با وجود تحولات یاد شده، تحول در برخی از مفاهیم گذشته نیز ضروری به نظر می‌رسد. بیلیس در مقدمه کتاب ارزشمند خود با نام "جهانی شدن سیاست" بیان می‌دارد کاربرد اصطلاح سیاست جهانی به جای سیاست بین الملل، به این معناست که هدف از انتخاب آن اشاره به سیاست و الگوهای سیاسی در جهان است و نه فقط سیاست میان کشورها و به نظر می‌رسد واژه روابط بین الملل نیز دارای محدودیت‌هایی است که هنوز محدود به بررسی روابط میان کشورهاست هر چند به معنای روابط صرف سیاسی میان بازیگران اصلی نیست. (بیلیس، ۱۳۸۳، ۲۳)

### جهانی شدن از دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان علمی جوان موضوع "جهانی شدن" و توصیه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به ایران برای پیوستن به خانواده جهانی را نمونه بارزی از باز تولید فرهنگ وابستگی دانستند و خاطر نشان کردند: جهانی شدن معنای دیگری دارد، جهانی شدن یعنی زیر بار فرهنگی که چند قدرت بزرگ توانسته‌اند بر اقتصاد دنیا، بر سیاست دنیا، بر امنیت دنیا تحمیل بکنند [رفتن]، زیر بار این سیاست رفتن، در این قالب خود را جا کردن، این معنای جهانی شدن از نظر آنهاست، وقتی می‌گویند جهانی بشوید، وقتی می‌گویند وارد خانواده جهانی بشوید معنایش این است، این همان وابستگی است فرقی نمی‌کند. (مقام معظم رهبری)

یک نکته را من در اینجا عرض بکنم و آن مسئله جهانی شدن است. جهانی شدن اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌گذاری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند، و الا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها که همه ابزارهای آمریکایی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین یک اصل مهم مسئله استقلال است که اگر این نباشد، پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است. (مقام معظم رهبری)

## نتیجه گیری

با اینکه در مورد جهانی شدن هنوز نظرات مختلفی ارائه می شود و در مورد آن اتفاق نظری وجود ندارد؛ اما تحولات دهه های اخیر نشان از گسترش روزافزون این واقعیت می باشد که جهانی شدن لازمه شهرها و کشورها می باشد. شهرها و کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم در نتیجه جهانی شدن تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زیادی را تجربه کرده اند. هنوز کاستی ها و نقص های زیادی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد که نمونه بارز آن تحمیل فرهنگ قدرت های جهانی بر کشورهای در حال توسعه می باشد. کشورهایی که به تازگی در جریان این تحولات قرار گرفته اند باید سود و زیان و اثرات جهانی شدن را بسنجند و درباره این رویداد تصمیم گیری نمایند. ابرقدرت های جهانی با توجه به نظر مقام معظم رهبری به دنبال جهانی سازی هستند نه جهانی شدن ... آنها سودای حاکم کردن و فراگیر کردن یک اندیشه و فرهنگ را بر دنیای کنونی در سر می پروراند و جهان چند فرهنگی را نمی پذیرند.

## منابع:

- بهکیش، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، ایران در مسیر جهانی شدن، تهران، نشر نی
- پور احمد احمد، قرخلو مهدی، موسوی سیروس، (۱۳۹۰) بررسی مفاهیم و شاخص های نظریه شهر جهانی، شماره شانزدهم ماهنامه باغ نظر، ص ۳۳
- توحید فام، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ در عصر جهانی شدن، تهران، نشر روزنه
- سپهرنیا، رزیتا، (۱۳۹۰) بررسی نقش جهانی شدن در شکل گیری، خاص گرایی های فرهنگی، شماره پنجم، فصل نامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ص ۶
- خامنه ای، سید علی، (۱۳۹۵/۷/۲۸)، سراب جهانی شدن، (۱۳۹۶/۷/۱۵)، [farsi.khamenei.ir/audio-contentid=۳۴۷۲۹](http://farsi.khamenei.ir/audio-contentid=۳۴۷۲۹)
- جان بیلیس، استیو اسمیت، (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- جیمز، رزونا (۱۳۸۲)، جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲) جهانی شدن، تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ هویت، تهران نشر نی

- نوابخش مهرداد، ملکی نظام آباد رسول، معصومی محمد تقی، (۱۳۸۸) مقاله رویکرد نوین به نمودهای جهانی‌شدن در کلان شهرهای کشورهای جنوب، شماره پنجم، نشریه هویت شهر، ص ۱۰۳
- یان، کلارک (۱۳۸۲) جهانی‌شدن و نظریه روابط بین الملل، ترجمه فرامرز تقی لو، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

